

در یاد قیام ملّی سی تیر

هممیهنان،

ملت در بستر تاریخ شکل می‌گیرد و تنها کسانی که چگونگی پیوندهای اجتماعی را فراتر از برش زمانی می‌نگرند و، بی‌گمان‌پروری و کنون‌زدگی سیاسی، روشنی‌ها و سایه‌های زندگی پویای آن را با هم می‌آورند، در بررسی واقعیت‌ها و شناسایی آگاهانه، آینده را به‌درستی شالودهریزی می‌کنند. فردای تاریخی هر ملت در گرو شناخت همه‌جانبه‌ی دیروز و امروز آن است و توانمندی‌های نسل کنونی را با یادآوری کارآوری‌های نسل‌های پیشین می‌توان درک نمود تا زمانه سترون نگردد.

کوته‌اندیشان به‌کژراهه‌افتاده، چه بخواهند و چه نخواهند، فرازونشیب زندگی ملت‌ها چون حلقه‌های زنجیر به‌هم‌پیوسته است و، برای بازسازی آینده، باید گذشته‌ها به‌درستی بازبینی و بازآیابی و بازگویی شوند. چنین است که، در برخورد هنگامی با چهل‌ودومین سالگرد «قیام ملّی سی تیر»، همچون عطف انقلابی در پیکارهای رهایی‌بخش ایرانیان، کنکاشی دوباره پیرامون این رویداد سرنوشت‌ساز ضرورت دارد.

در روند جنبش ملّی شدن صنعت نفت، گرچه مردم بپاخاسته‌ی ایران به رهبری مصدق بزرگ گام‌به‌گام به سوی پیروزی قطعی پیش می‌رفتند، ولی هیئت حاکمه‌ی وابسته‌به‌بیگانه با اینکه کرسی نخست‌وزیری را از دست داده بود پیدرپی توطئه می‌کرد تا آب رفته را به جوی بازآرد و دشمن تاراندشده را بازگرداند.

چون دکتر محمد مصدق، که تنها با پشتیبانی مردم بر سر کار آمده بود، برای جلوگیری از فترت، دستور انجام انتخابات دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملّی را داد، تقلب و نیرنگ دست‌نشانندگان قدرت‌های بیگانه در این کار آغاز گردید و، به‌ناچار، جریان آن در پاره‌ای از بخش‌های کشور نیمه‌پایان گذارده شد.

سرانجام، دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملّی در روز یکشنبه، هفدهم اردیبهشت‌ماه تنها با شرکت هفتادوپنج نماینده‌ی برگزیده‌شده گشایش یافت؛ ولی کشمکش بر سر تصویب اعتبارنامه‌ها و انتخابات رئیس جلوگیری آمادگی این نهاد برای کار گردید و نخست‌وزیر، که برای دفاع از حقوق ملت ایران باید به دیوان داوری بین‌المللی می‌رفت، ناگزیر از کناره‌گیری خودداری کرد و روز چهارشنبه، هفتم خردادماه با هیئتی بلندپایه راه لاهه را درپیش‌گرفت. مصدق بزرگ، پس از دفاعی جانانه در این نهاد فراملّی و امید کامل به صادر گردیدن رأی به سود ایران، در روز چهارشنبه، چهارم تیرماه در میان یکی از بی‌مانندترین پیشوازه‌های مردمی به تهران بازگشت.

هیئت حاکمه، که در هنگام دور بودن دکتر محمد مصدق از کشور دسیسه‌چینی‌های دامنه‌داری کرده بود، در روز دهم تیرماه به پیروزی چشمگیری رسید و توانست یکی از مهره‌های شناخته‌شده‌ی خود را با سی‌ونه رأی به کرسی رئیس مجلس شورای ملّی بنشانند و نامزد هواداران نهضت ملّی تنها سی‌وپنج رأی به‌دست‌آورد.

به‌هر روی، چون مجلس شورای ملّی بدین گونه آمادگی کار شده بود، دکتر محمد مصدق در روز شنبه، چهاردهم تیرماه به سنت پارلمانی عمل کرد و از نخست‌وزیری کناره‌گیری نمود. هیئت حاکمه هنوز از بیم مردم این گستاخی را نداشت که یکبارہ دکتر مصدق را کنار بگذارد؛ و سرانجام مجلس شورا در روز یکشنبه، پانزدهم تیرماه، و مجلس سنا در روز چهارشنبه، هجدهم تیرماه، خواه یا ناخواه، به نخست‌وزیری آن یگانه‌ی دوران ابراز تمایل کردند و، روز

شنبه، بیستویکم تیرماه، فرمان بایسته نشر یافت.

مصدق بزرگ با اندریافت ژرفای توطئه‌ها از یک سو خواستار اختیارهای ویژه گردید و، از سوی دیگر، برای جلوگیری از اخلاف دشمنان ملت از راه ارتش در کارهای دولت، درصدد برآمد تا خود عهده‌دار وزیری جنگ گردد و، چون در دیدار و گفتگوی سه‌ساعته‌ای که روز چهارشنبه، بیست‌وپنجم تیرماه با پادشاه داشت با ناسازواری‌های قانون‌شکنانه روبه‌رو شد، فردای آن روز، طی نامه‌ای از پذیرش نخست وزیری سر باز زد و چگونگی را هم به آگاهی مردم رسانید. از اینجا بحران گسترده‌ای در سراسر کشور پدید آمد؛ و، از یک سو، مردم و همه‌ی شخصیت‌ها و سازمان‌های سیاسی هوادار جنبش ملی شدن صنعت نفت و، از سوی دیگر، هیئت حاکمه، از دربار شاهی و سیاستمدار کهنه‌کاری که بر خلاف میزان‌های قانون اساسی به نخست‌وزیری گمارده گردیده بود تا نیروهای سلاحدار، در برابر هم به صف‌آرایی پرداختند.

پس از چهار روز پربیم‌و امید و قدرت‌نمایی‌های نوشتاری و گفتاری از دو سو و نمایش‌های اعتراض‌آمیز مردم در جای‌جای کشور و درگیری‌های پی‌درپی با نیروهای سرکویگر، که شرح آن را فرصتی دیگر باید، سرانجام برق غیرت بدرخشید و سی تیر به هنگامه‌ای سرنوشت‌آفرین بدل گردید.

سی تیر آوای توفانی مردم بپاخاسته‌ای بود که نمی‌خواستند دگرباره عزت و ثروت خود را لگدکوب استعمار و استبداد به‌هم‌میخته ببینند.

سی تیر قامت برافراشته‌ی ملتی بود که دانایی و توانایی و هشیاری خود را سر از نو به تارک تاریخ ثبت نمود دشمن را به زبونی کشانید.

سی تیر یک روز، یک هیجان یا حتی یک حماسه‌ی تنها نبود؛ بلکه سی تیر یک میعاد و یک میلاد بود. ملت ایران در سی تیر با تاریخ دیدار کرد و دوباره زاده شد. مردم در بامداد سی تیر همان نبودند که در شامگاه سی تیر. سی تیر را نباید تنها یک درگیری سیاسی برای برانداختن یک دولت دست‌نشانده و بازگرداندن یک دولت مردمی بر سر کار شمرد؛ و، گرچه این جلوه‌ی ظاهری رویداد است، ولی به‌راستی جوشش خشم فروخورده‌ی ملتی بود که سال‌های سال تازیانه‌ی ستم را بر شانه‌های خود حس می‌نمود و زمینه‌ای برای واکنش نمی‌یافت تا به‌ناگهان برای این پرسش دیرینه پاسخی درخور پیدا کرد.

اگر راست است که توش و توان آدمی بر تاریخ اثر می‌نهد و آن را از این راه به آن راه می‌برد و اگر راست است که بالای آدمی آفریننده‌ی بلندای تاریخ می‌گردد، در سی تیر چنین شد.

ایرانیان در سی تیر به خوارداشت مرگ برخاستند، جان در راه آرمان فدا کردند، و با دست تهی به دشمن غرق‌درسلاح تاختند. ایرانیان در سی تیر با اراده‌ی هستی‌ساز بر تاریخ تاختند و بر آن چیره گردیدند، خود دیگر شدند و تاریخ را دگر کردند.

در سی تیر آموخته شد که به «اتفاق جهان می‌توان گرفت» و در پیکارهای رهایی‌بخش ملی باید هر نفاق را فرونهاد و دشمن را با همبستگی همگانی تاراند و همای پیروزی را به پرواز درآورد.

در سی تیر آموخته شد که باید خواست ملی را دریافت و در قالب روشنی درج کرد و در برابر توده‌های مردم قرار داد تا همگان برای برآوردن آن به ایستادگی و کوشش برخیزند.

در سی تیر آموخته شد که گروه‌های اجتماعی گوناگون در شناخت و پذیرفتن قهرمانان خود یکپارچگی و استواری می‌یابند و گزینش یک رهبری آگاه و نشان دادن ارزش‌های اخلاقی و توانایی‌های آن به بسیج توده‌ها یاری بسیار

می‌رساند.

ارزشمندترین درس گرفته‌شده از سی تیر این است که هیچ پیروزی به‌خودی‌خود پایدار نمی‌ماند و برای پاسداری از دستاوردهای ملی باید همه‌ی نیروهای شرکت‌کننده در پدید آوردن آن پیوند خود را با یکدیگر پیوسته نگاه‌دارند. بدین گونه، پیروزی سی تیر یک‌هزار و سیصد و سی و یک در پهنه‌ی تاریخ پرافت‌وخیز ایران زمین گم نشده است. گرچه رویدادهای زشت بعدی برای زمانی کوتاه آن را از جلوه انداخت؛ ولی وجدان ملی، که در این بوته‌ی آزمایش گذاخته شده بود، در نهاد مردم باقی ماند تا، در پی تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، انقلاب بیست و دوم بهمن یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هفت را به ارمغان آورد.

اینک، با دریغ بسیار، در چهل و دومین سالگرد این آزمون بزرگ، بار دیگر، ایران زمین در ورطه‌ی هولناکی فروافتاده و، با قشریگری زمامداران ناشایسته، مردم دچار سیه‌روزی ژرفی شده‌اند؛ اوج‌گیری احتکار، رباخواری، دلال‌بازی، این پدیده‌های زشت سوداگری بی‌مهار و گرانی سرسام‌آور، گرسنگی، برهنگی، بی‌سرپناهی، بیکاری، کمبود بهداشت و درمان و دارو، و نارسایی آموزش در سطح‌های گوناگون شیرازه‌ی هستی ملی را به فروپاشی تهدید می‌کند.

این همه زاینده‌ی پای‌مال نمودن حقوق ملت، نادیده گرفتن حیثیت ذاتی بشر، و حصر آزادی‌های فردی و اجتماعی از سوی سران جمهوری اسلامی است که، با خودبزرگبینی، یکسره از مردم بریده‌اند و جز تلف کردن فرصت‌ها هنری ندارند.

در چنین هنگامه‌ای، حزب ما با کوله‌بار سالیان دراز پیکار خستگی‌ناپذیر با نیروهای اهریمنی از شما زنان و مردان این نیاخاک ایزدی می‌خواهد که با تکیه بر آزمون تاریخی سی تیر بپاخیزید، همبستگی همگانی را بازیابید و، با پدید آوردن سازمان و رهبری فراگیر، با گام‌های استوار، به سوی هدف روشن برپایی مردم‌سالاری بشتابید. چنین باد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران